



عنتق ینهان
همینته مخفے

نمیمونه

مترجم

Parniya

ادیتور

Kitty & MDBR

آپلودر

Naksu

偷偷藏不住

Hidden Love

اواخر ژانویه.



به سلامتی!!!

بالاخره
از شر امتحانا
خلاص شدیم!
از فردا هم،
تعطیلات
بهاری مون
شروع میشه!

سانگ سانگ،
نمیشه یکم بیشتر
بمونی؟ باهم بریم
بیرون بگردیم.

حالا حتما باید
فردا برگردی...

مگه همین الانشم
باهاتون نیومدم بار؟

می دونین چرا
گفتم بیایم اینجا؟

شما هم فکر
می کنین اون
پسره که داره
گیتار می زنه
جذابه؟

یکم بگی نگی
روش کراشم~

برو تو
کارش~

عه راستی بهتون نگفتم
ولی اون پرنس چارمینگی
که گفتم میخوام بگیرمش
انگار یکمی ازم خوشش
میاد.

تو وی چت ازم
پرسید که کجام
میخواست بیاد
پیشم.

خب بهش بگو
بیادا دوست پسر
منم الانا میرسه
گفت دوستاشم با
خودش میاره.

تا وقتی یه دختر
خوشگل گوگولی
باشی، بدست آوردن
دل پسرا اونقدر هم
کار سختی نیست!

بنظرم که به
شخصه من واقعا
خوشگلم~

نکشیمون بابا خوشگل~

عه سانگ سانگ،
چرا هیچی نمیگی؟

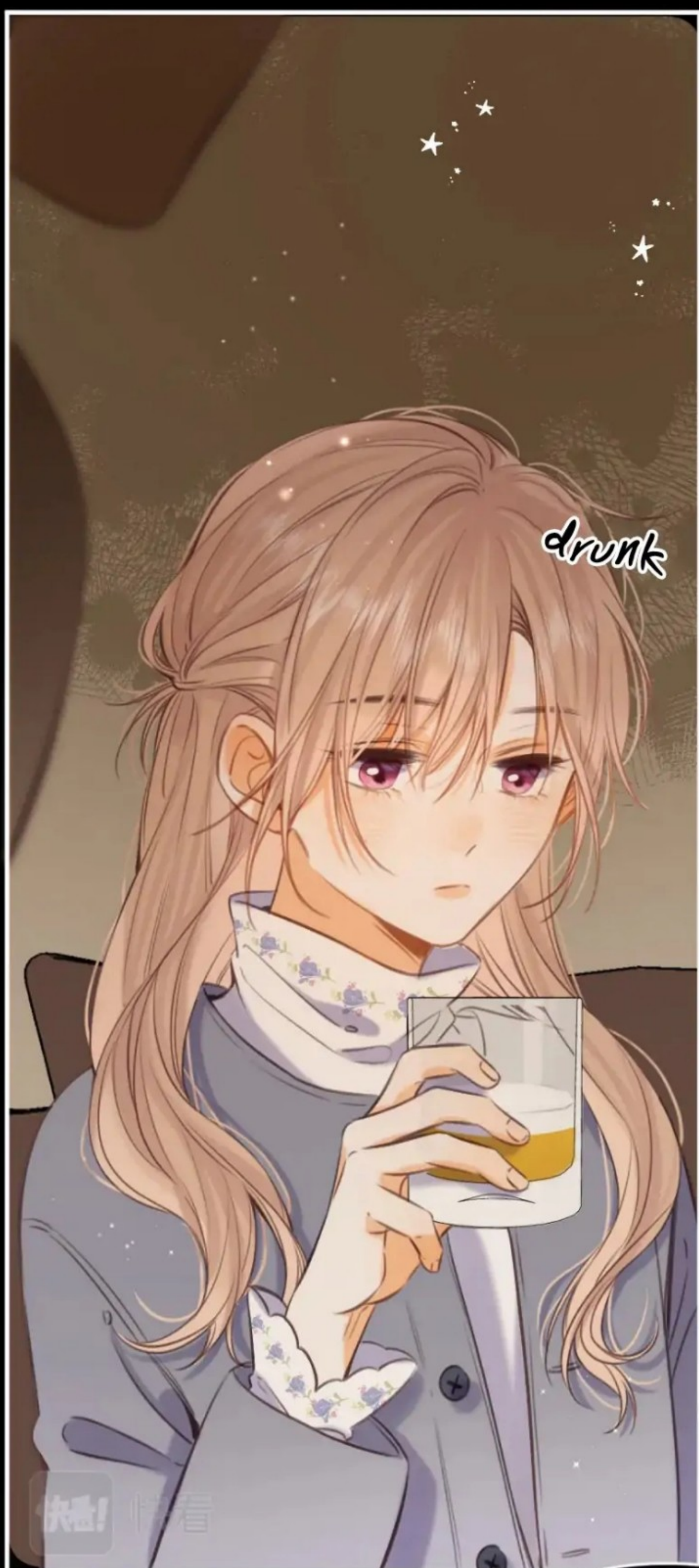
نه.

دارم بهتون

گوش میدم.

دوست پسر
اومد~

چیانگ مینگ...



این نوشیدنی
طعمش خیلی تو
دهن می مونه،

چرا اینو
می خوری؟



عه واقعا؟

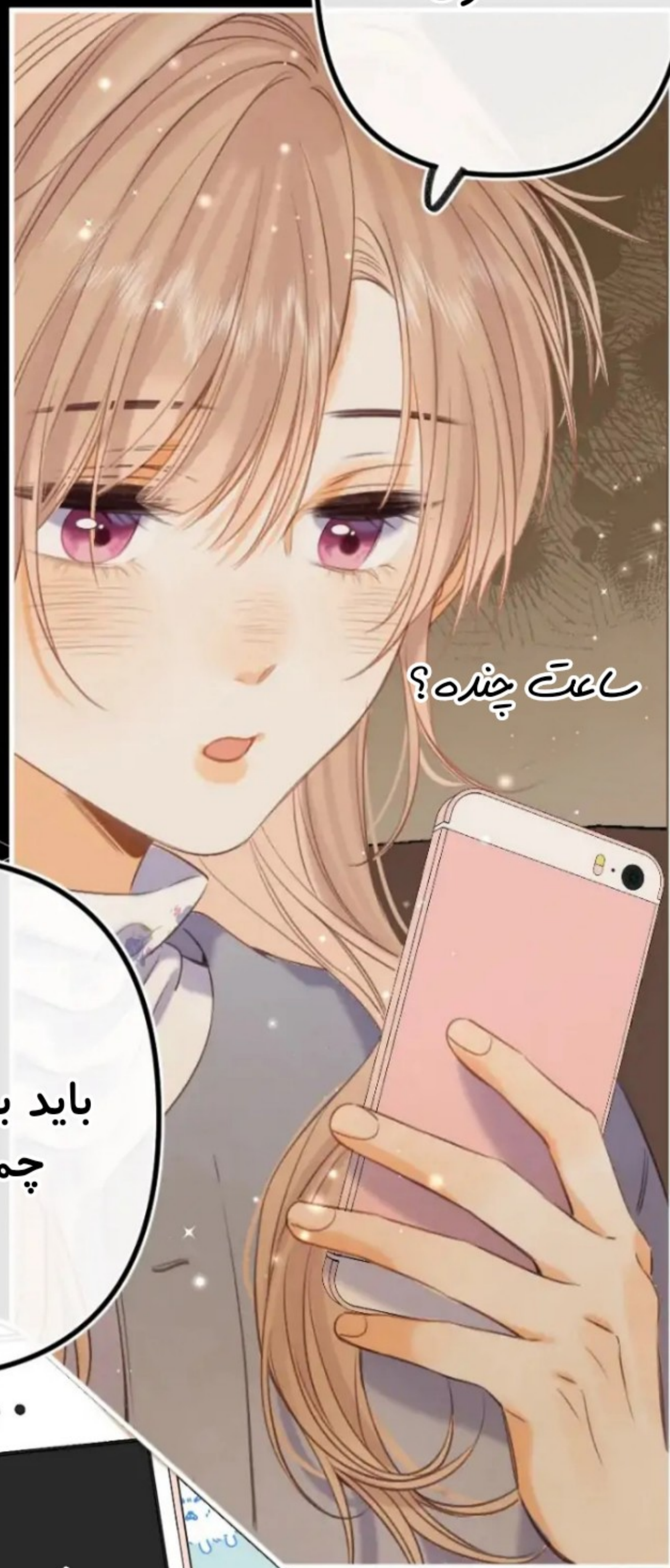
خب پس دیگه
نمی خورم.



صورتت یکم
قرمز شده.

یکم آب
می خوای؟

نه ممنون.




ساعت چنده؟


باید برگردم خوابگاه
چمدونمو ببندم.



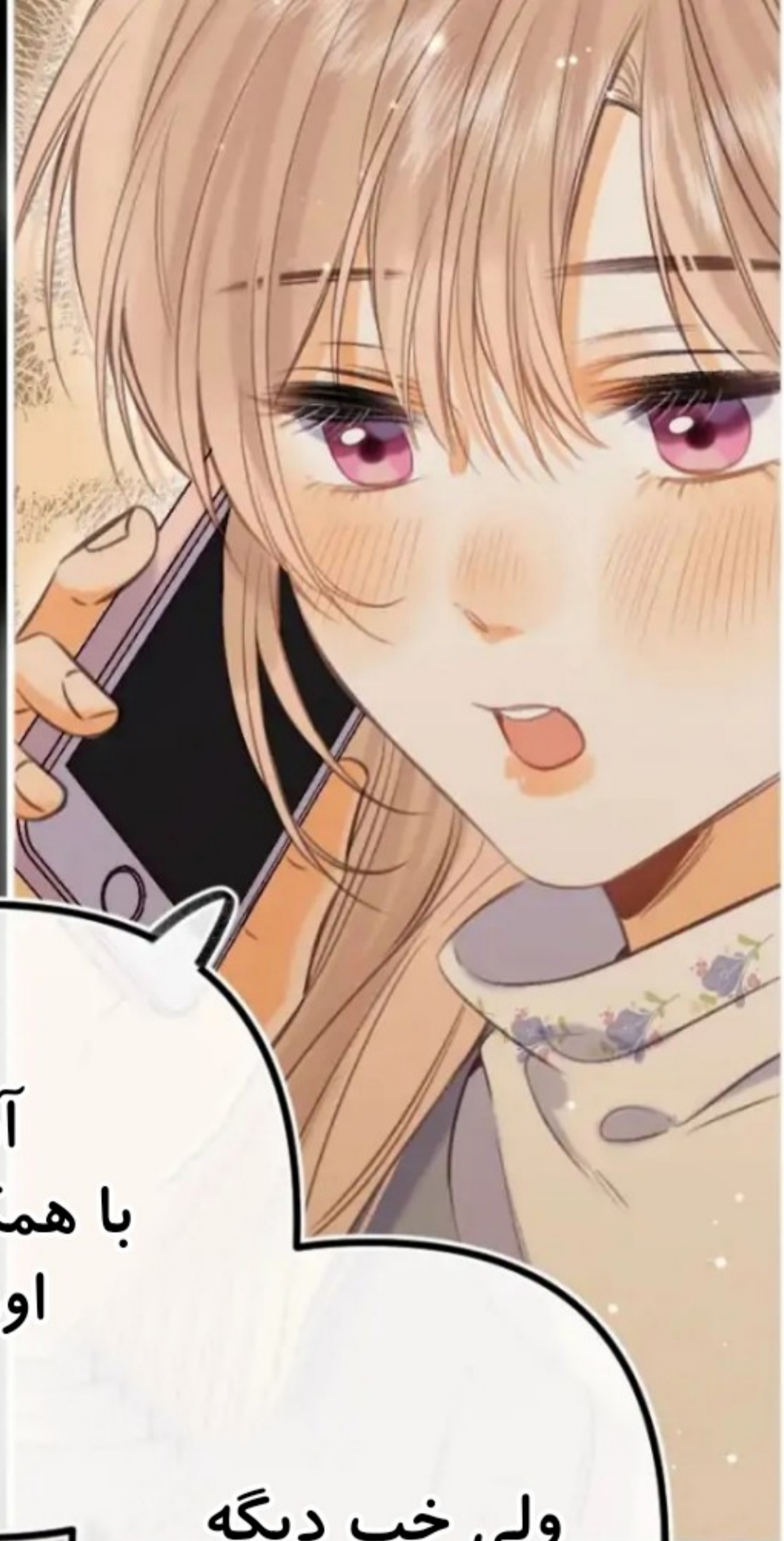
برادر؟



فردا پروازت
ساعت چنده...



رفتی بار؟



آره،
با همکلاسیام
اومدم.

ولی خب دیگه
دارم برمی گردم.

داری
برمی گردی؟



آره.

نوشیدی؟





آره، یکم.

اسم بار رو برام
بفرست، زود میام.



چرا
داری میای؟

توهم
می‌خوای بری
دور دور؟



برادر میاد دنبالت
معلومه که مستی.



HANG UP

...





من می رسونمت...

نیازی نیست.
برادرم بیرون
منتظره.





快看! 快看



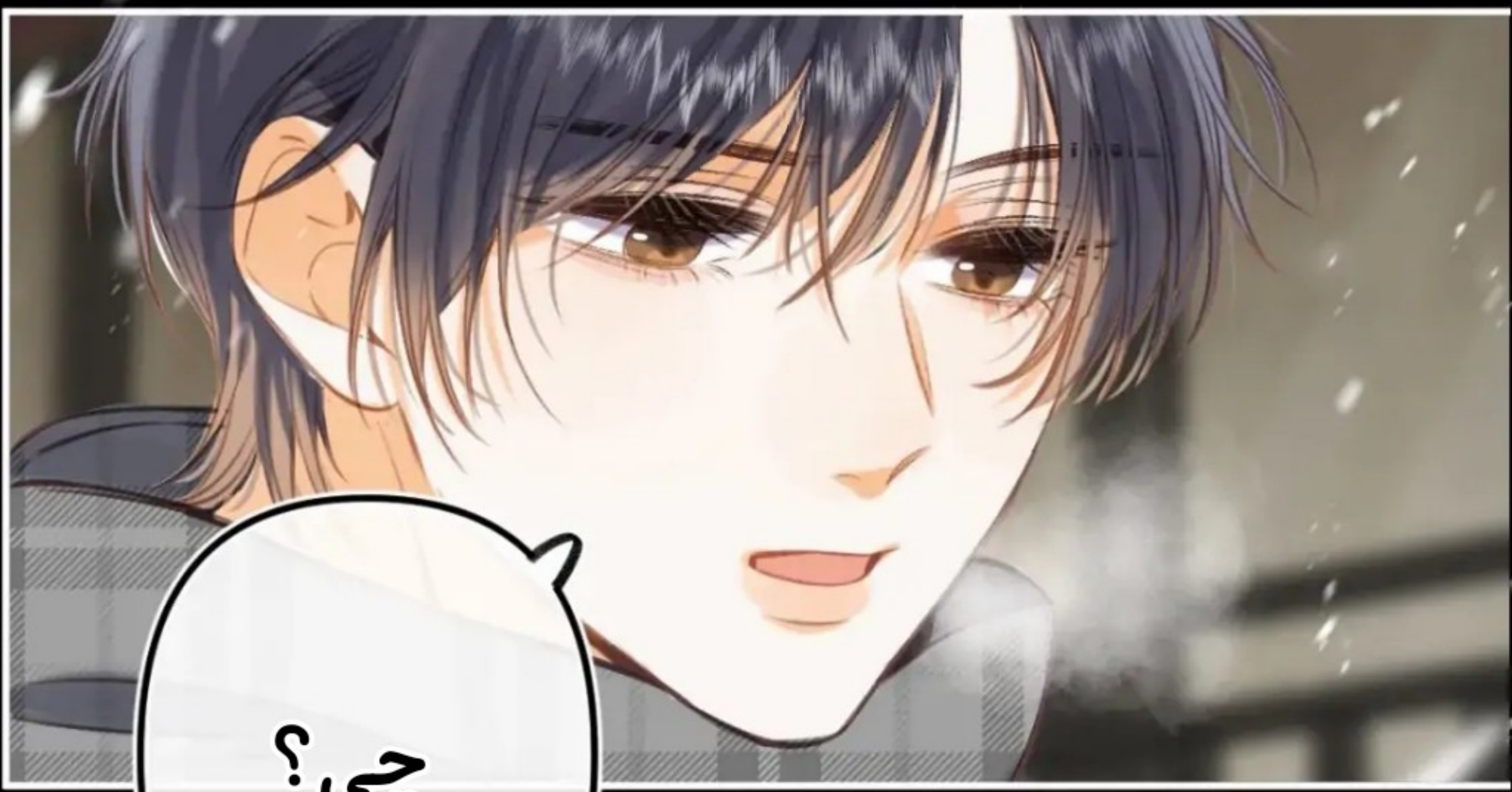
سنگ‌زی، چرا
اینجا نشستی؟



فکر کنم
خیس شده.



انگار شلوارم
خیس شده.



چی؟



برادر
برف خیسه.

...

ناموسا چقدر
خوردی مگه؟



به جون تو
فقط نصف
لیوان.


فقط بعد از
خوردن یه نصف
لیوان به این روز
افتادی.

اصلا
وایسا بینم،


کی بهت اجازه
داد بیای بار...

من
بزرگ شدم!






من دیگه
بزرگ شدم!



حتی اگه بزرگم
شده باشی، بازم
نمی تونی...

چرا نمی تونم!




سانگ ژی کوچولو،
چرا اینقدر
عصبانی ای؟



خودت گفتی...

تا قبل از فارغ
التحصیل شدنت،
دختر خوبی باش و
حرف گوش بده.

الان وقت تو رابطه
بودنت نیست.



وقتی بزرگ شدم،
می‌تونم هرکاری دلم
خواست انجام بدم.

که دیگه کسی
کارم نداره.

AS

خودت گفتی...

قبلنا از اینکه بگم عانتق "کیام"
می ترسیدم

اما الان دیگه حتی
جرئت نمی‌کنم
"عانتقت" بانتم

من نمی‌خوام ایتقدر باهه تو
رابطه بانتمیم ولی می‌ترسم
تنهایی باز یادت بره مراقب
خودت بانتمی...

می‌دونی...

همسن و سالام

انقدر نتجاع هستن که
عشقونو اعتراف کنن.

پس چرا من فقط بدم...

توی خودم بریزم
و درد بکشم

ادامه دارد...

وقتی مسوره



اگه جای سانگ ژی بودی چیکار می کردی؟

الف) باز تا لاسی می کردم.
ب) مثل سانگ ژی توکا خودم می ریختم.
ج) نامل با طرف قطع رابطه می کردم...



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)